

پژوهش‌های حقوقی

شماره ۱۱

هزار و سیصد و هشتاد و شش - نیمسال اول

مقالات

- گرایش به پذیرش و توسعه مسؤولیت کیفری اشخاص حقوقی
- حقوق در بند سیاست: تحلیل قطعنامه ۱۷۴۷ شورای امنیت
- امکان توسل به دفاع مشروع برای مبارزه با تروریسم
- مسأله اساسی‌سازی نظم حقوقی
- بیمه مهر: لزوم تبیین، بازنگری و اصلاح ساختار آن
- مسؤولیت مرتکب به پرداخت هزینه‌های درمانی مازاد بر دیه
- ارزیابی الزام دولت به ابتکار قانون در اسلوب تعامل قوا در ایران

موضوع ویژه: جنبه‌های حقوقی شبیه‌سازی انسانی و درمانی

- ابعاد حقوقی - اخلاقی همسانه‌سازی
- کرامت بشری و شبیه‌سازی انسان
- مبانی منع شبیه‌سازی انسان
- چالش‌های شبیه‌سازی درمانی انسان
- سیاست جنائی سازمان ملل در قبال شبیه‌سازی انسان

نقد و معرفی

- ارزیابی و نقد برخی محورهای قانون جدید دیوان عدالت اداری
- نقدی بر ماده ۱۸ اصلاحی قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب





مسئولیت مرتکب به پرداخت هزینه‌های درمانی مازاد بر دیه

محمد مصدق*

چکیده: هر روز در کشور ما هزاران حادثه رخ می‌دهد و در اثر آن، هزاران نفر مجروح و مصدوم می‌شوند؛ به طوری که طبق آمار موجود^۱ تقریباً ۴۰٪ از پرونده‌های وارد شده به اجراء احکام را پرونده‌های مربوط به دیات تشکیل می‌دهند. همه این موارد، اقدامات تشخیصی و درمانی مختص به خود را می‌طلبند، که بسیاری از موارد آن پرهزینه است.

از ابتدای تصویب قانون دیات در سال ۱۳۶۱، همواره این سؤال در محافل حقوقی و قضائی کشور مطرح بوده است که اگر در مواردی هزینه‌های پزشکی آسیب دیده بیش از دیه‌ای باشد که به طور قانونی به او تعلق می‌گیرد، آیا قاضی می‌تواند علاوه بر پرداخت دیه به جبران هزینه‌های پزشکی نیز رأی دهد؟

در این نوشتار سعی کرده‌ایم با توجه به فقدان نص صریح قانونی و رویه واحد قضائی در خصوص امکان پرداخت هزینه‌های درمان علاوه بر پرداخت دیه مقلد، ابتدا موضوع را از دیدگاه فقهی و قواعد کلی به صورت اجمالی بررسی کنیم؛ سپس از دیدگاه قانون و رویه قضائی، موضوع را مورد بررسی قرار دهیم و در نهایت، نظریه برتر را همراه با استدلال‌های مربوط ارائه نمائیم.

کلیدواژه‌ها: خسارت، ضرر و زیان، مسئولیت مدنی، هزینه‌های درمانی، دیه، ارش، جنایت، مجازات.

* سردبیر مجله دادرسی و مدرس دانشگاه

^۱ احمد زمانیان (مرکز تحقیقات و پژوهش‌های قوه قضائیه ایران)، «بررسی وضعیت اجراء احکام دیات»، مجله دادرسی، ش ۹، ص ۲۳.

فصل اول: بررسی موضوع از دیدگاه فقهی

موضوع جواز مطالبه هزینه‌های پزشکی مازاد بر دیه از مسائل نوپای فقه شیعه است، به گونه‌ای که در متون فقهی قدیم به آن اشاره نشده است، ولی اکثر مراجع تقلید و صاحب‌نظران عصر حاضر نسبت به این موضوع اظهارنظر کرده و فتوا داده‌اند که در جای خود به آن اشاره خواهیم کرد.

با جمع‌بندی نظریات فقیهان عصر حاضر درخصوص موضوع مورد بحث، روشن می‌شود که به‌طور کلی سه نظریه در مقام مطرح است:

الف - جانی علاوه بر دیه، هیچگونه خسارتی را درخصوص هزینه‌های درمان ضامن نیست.

ب - جانی علاوه بر دیه، کلیه هزینه‌های درمان را نیز ضامن است.

ج - جانی از میان دیه و هزینه‌های درمان، بیشترین را ضامن است.

پرداختن به این موضوع از دیدگاه فقهی و ذکر کلیه دلایل نظریات مختلف و بررسی آنها نه در حد توان نگارنده این سطور است و نه این مختصر، گنجایش آن را دارد و از سوی دیگر هدف عمده از نوشتن این مقاله، جنبه‌ی کاربردی آن و ایجاد رویه واحد قضائی در محاکم است که در قسمت دوم مقاله تحت عنوان «بررسی موضوع از دیدگاه قانون و رویه قضائی» بحث خواهیم کرد. لذا در این قسمت صرفاً به ذکر برخی از دلایل هر کدام از نظریات، فوق به همراه استفتائات مربوط بسنده می‌کنیم:

الف - جانی علاوه بر دیه، هیچگونه خسارتی را درخصوص هزینه‌های درمان ضامن نیست

دلیل طرفداران این نظریه

شرع مقدس اسلام برای ضامن آسیبه‌های مربوط به سلامتی انسان، روش خاصی را تحت عنوان «دیه یا ارش» پیش‌بینی کرده است. بنابراین، اخذ هرگونه خسارتی از بزه‌کار و جانی غیر از آنچه که به عنوان دیه یا ارش معین می‌شود، جایز نبوده و مشروعیت ندارد. تعدادی از مراجع تقلید و فقهای عصر حاضر طرفدار این نظریه

هستند که در ذیل عین نظریه و فتوا را ذکر می‌کنیم:

حضرت آیت‌الله امام خمینی (قدس سره):

«اخذ هرگونه خسارتی غیر از آنچه که به عنوان دیه تعیین شده است در جنایات جایز نبوده و مشروعیت ندارد».^۲

حضرت آیت‌الله محمدعلی اراکی (قدس سره):

«مصارف و مخارج معالجه را که زاید بر دیه است نمی‌تواند بگیرد».^۳

حضرت آیت‌الله محمدتقی بهجت:

«اگر در مورد، دیه مقرر است، جانی همان دیه را باید بدهد و بیش از آن ضامن نیست. اگر یک جنایت است و در آن دیه تقدیر شده همان دیه داده می‌شود نه بیش و نه کم».^۴

حضرت آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای:

«هزینه درمان علاوه بر دیه بر جانی نیست و جایی که دیه مقدر است همان دیه بر عهده جانی است».^۵

حضرت آیت‌الله لطف اله صافی گلپایگانی: مطالعات فقهی

«جانی زاید بر مقدار دیه، ضامن خسارات وارده از جهت درمان و معالجه نیست. بلی، در جرح خطایی مادون السمحاق نسبت به مخارج معالجه، احتیاط

^۲ حسین کریمی، موازین قضائی از دیدگاه امام خمینی، ص ۹۷.

^۳ آیت‌الله اراکی، استفتائات، سال ۱۳۷۳، ص ۲۳۲.

^۴ مرکز تحقیقات فقهی قوه قضائیه (گنجینه آرای فقهی - قضائی)، «آراء و نظریات صاحب نظران و مراجع تقلید پیرامون خسارت زاید بر دیه»، مجله دادرسی، ش ۹، ص ۲۵.

^۵ همان.

آن است که جانی و مجنی علیه مصالحه کنند».^۶

حضرت آیت الله محمد فاضل لنکرانی (قدس سره):

«در مواردی که دیه مقدره وجود دارد تنها دیه پرداخت می شود و زاید بر آن چیزی بر جانی نیست».^۷

ب - جانی علاوه بر دیه، کلیه هزینه های درمان را نیز ضامن است

دلایل طرفداران این نظریه

۱. سیره عقلا و شیوه خردمندان

شیوه خردمندان عالم تاکنون اینگونه بوده و هست که جبران کلیه زیانهای بزه دیده را از ناحیه بزهکار لازم می دانند و آن را به عنوان مسئولیت مدنی پذیرفته اند.

۲. ظهور برخی از روایات در این است که جانی هزینه های درمان و پزشکی را نیز

ضامن است

از جمله روایت معتبری که از غیاث نقل شده است که امام صادق (علیه السلام) به نقل از پدرش از امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود: «در آسیبهای کمتر از پوست نازک روی استخوان سر باید دستمزد پزشک را پرداخت».^۸

پس جبران خسارتهای ناشی از هزینه های درمان و پزشکی از باب مسئولیت مدنی است و مقوله ای است جدا از موضوع پرداخت دیه و ارزش که جنبه جزائی دارد.

برخی از صاحب نظران با این نظریه موافقت می کنند، که در ذیل عین نظریات را ذکر می کنیم:

حضرت آیت الله حسین نوری همدانی:

^۶ همان.

^۷ همان.

^۸ شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، جلد ۱۹، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ص ۲۹۴.

«در مواردی که جنایت و آسیب رساندن به بدن شخص موجب ثبوت دیه می‌شود در صورتی که بهبود یافتن آن شخص به معالجه و مداوا احتیاج داشته باشد، لازم است که جانی علاوه بر پرداخت دیه‌ای که شرعاً مقرر است، مخارج معالجه را نیز بپردازد بلکه اگر به واسطه آسیب و زخم ضرر مالی نیز بر آن شخص وارد شده است - مثل اینکه چند روز از انجام کاری که اشتغال به آن داشته باشد به واسطه آن زخم و با شکستگی بازمانده است - را نیز جبران کند».^۹

حضرت آیت‌الله سید محمد سجادی:

«در کلیه موارد، دیات مقرر در شرع مقدس برای تأمین خسارات بر نفس و اطراف است و ارتباطی به خسارات مالی نسبت به مجنی‌علیه ندارد و از مفاد و مفهوم حدیث معتبر از امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) که در مورد سمحاق فرموده‌اند: «مادون السمحاق اجر الطیب» استفاده می‌شود که جبران خسارات پزشکی نیز به عهده جانی است».^{۱۰}

حضرت آیت‌الله عبدالحمید شریانی:

«دیه تاوان نقص عضو است و ارتباطی با ضرر و خسارات وارده ندارد و در صورت خسارت، ضامن اتلاف و خسارت هم هست. به عبارتی دیگر، دیه همان تاوان نقص ثابت و معین است و خسارت، امر جنبی است که در صورت بودن آن هم جبران می‌شود».^{۱۱}

^۹ آیت‌الله نوری همدانی، توضیح المسائل، چاپ هفتم، سال ۱۳۷۵، ص ۶۰۳.

^{۱۰} «آراء و نظریات صاحب نظران و مراجع تقلید پیرامون خسارت زاید بر دیه»، مجله دادرسی، ش ۹، ص ۲۵.

^{۱۱} همان.

ج - جانی از میان دیه و هزینه‌های درمان، بیشترین را ضامن است

دلایل طرفداران این نظریه

۱. قاعده تسبیب

با در نظر گرفتن این قاعده، جانی، کلیه هزینه‌های درمان بزه‌دیده را ضامن است؛ چراکه او سبب چنین خسارت و هزینه‌هایی شده است و از مصادیق تسبیب به شمار می‌رود و در اینگونه موارد، سبب از مباشر اقوا است؛ یعنی مباشر (مجنی‌علیه) چاره‌ای جز درمان ندارد و در نتیجه، متحمل هزینه‌های درمان خواهد بود که مسبب اصلی آن، جانی است.

این استدلال ممکن است از دو جهت مورد اشکال واقع شود:

اشکال نخست اینکه، تسبیب و ضامن بودن سبب در جایی است که شخص مباشر با اختیار و اراده خویش موجب تلف شدن مال نگردد؛ در حالی که در مانحن فیه، مجنی‌علیه با اختیار و اراده خود اقدام به صرف هزینه درمان می‌کند و می‌تواند نسبت به این کار اقدام نکند و متحمل هزینه نگردد.

اشکال دوم اینکه، قاعده تسبیب مربوط به جایی است که تلف کردن مال یا ناقص کردن چیزی که موجب کاهش ارزش آن باشد، در میان باشد؛ در حالی که در موضوع بحث ما چنین نیست؛ زیرا هزینه کردن برای درمان، هرگز تباه ساختن مال نیست.

در پاسخ اشکال دوم می‌توان گفت، معیار ضامن شدن جانی، تلف مال یا از میان رفتن آن نیست، بلکه از دست رفتن مالکیت آن است. بدین معنا که مالک در اثر این سبب (جنایت) دچار زیان و کاهش مال گردد، خواه مال او در واقع تباه شده باشد یا دیگری آن را گرفته یا ناگزیر از هزینه کردن آن باشد. پس معیار و ملاک این است که در پایان کار، مالی به هر علتی از دست او بیرون رفته باشد.

در پاسخ اشکال اول نیز می‌توان گفت،^{۱۲} با بررسی روایات مربوط به تسبیب، به یک کبرای کلی رهنمون می‌شویم و آن اینکه، هرگاه اراده شخص مباشر، به دلیل

^{۱۲} آیت‌الله سید محمود هاشمی شاهرودی، *بایسته‌های فقه جزا*، تهران، نشر دادگستر، چاپ اول، تابستان

ناآگاهی، ناچاری یا ناگزیر بودن، تحت تأثیر و چیرگی چیز دیگری بوده و نقش کارآمد و تأثیر خارجی و عملی از آن سبب باشد، نسبت دادن پیامد به سبب، قوی‌تر و شدیدتر است و ضامن بودن او نزد قانونگذار اسلام سزاوارتر است که مباشر با اراده و اختیار خود نسبت به آن فعل اقدام کرده باشد که این شیوه مورد تأیید روایات نیز می‌باشد که به عنوان نمونه، فقط به یک روایت بسنده می‌کنیم:

ابوبصیر با سندی معتبر از امام صادق (علیه‌السلام) نقل کرده است که حضرت درباره زنی که دو شاهد نزد او گواهی دادند که شوهرش مرده است و آن زن با مردی دیگر ازدواج کرد، اما بعد شوهر نخست او پیدا شد، فرمودند: «آن زن در برابر بهره زناشویی که شوهر دوم از او برده، مهریه خویش را طلبکار می‌شود و آن دو گواه فریبکار حد می‌خورند و ضامن مهریه زن از سوی شوهر دوم خواهند بود، چراکه او را فریفته‌اند. آن زن نیز پس از گذراندن عده، نزد شوهر نخست خویش باز می‌گردد».^{۱۳}

از این روایت استفاده می‌شود که قاعده تسبیب، موردی را که مباشر فریب خورده و خود شخصاً اقدام کرده باشد را نیز شامل است. پس معلوم می‌شود که این قاعده تسبیب منحصر به جایی که مباشر مجبور به انجام فعل شده باشد نیست. بدین سان، می‌توان فراگیر بودن این قاعده را نسبت به جایی که مباشر در اثر ناگزیر بودن اقدام به پرداخت، هزینه‌های درمان نموده است استنباط کرد.

۲. سیره عقلا و شیوه خردمندان

عقلا جانی را ضامن همه هزینه‌های درمان می‌دانند و این سیره در همه آئینهای حقوقی امروز نیز پذیرفته شده است و هیچگونه مخالفتی از سوی قانونگذار اسلام هم در این باره نشده است. پس می‌توانیم بگوئیم که اسلام آن را پذیرفته و امضا کرده است.

^{۱۳} معتبره ابی بصیر عن ابی عبدالله فی امرئه شهد عندها شاهدان بأن زوجها مات. فتزوجت ثم جاء زوجها الاول قال: لها المهر بما استحل من فرجها الاخير و يضرب الشاهدان الحد و یضمنان المهر لها عن الرجل بما غرأ. ثم تعدت و ترجع الی زوجها الاول (وسائل الشیعه، جلد ۱۸، ص ۲۴۲).

شاید بتوان این استدلال را بهترین دلیل و بی‌اشکال‌ترین دلایل طرفداران این نظریه دانست؛^{۱۴} به شرطی که ما بتوانیم اثبات کنیم که روایات مربوط به دیه در مقام بیان این ادعا نیستند که بگویند همه آنچه که بزه‌دیده می‌تواند مطالبه کند، همان دیه است، چه خسارات وارد شده کمتر از آن باشد یا بیشتر!

اکنون به بررسی نظریات فقها در خصوص روایات مربوط به دیات می‌پردازیم: برخی از فقها، پس از بررسی روایات مربوط به دیات گفته‌اند:

دیه و ارش تنها در برابر کاستی و کمبودی است که در اندامها ایجاد می‌شود و این چیزی جدا از هزینه‌های درمان و پزشکی است. بنابراین، روایات فقط در مقام بیان چیزی بوده‌اند که بزه‌کار می‌بایست به سبب ایجاد نقص در پیکر بزه‌دیده می‌پرداخت؛ چنانکه اگر کار او به از میان رفتن مال بزه‌دیده، مانند پاره شدن لباس یا کشته شدن حیوانش بیانجامد، سکوت روایات دیات از ضمان این چیزها به معنای ضامن نبودن بزه‌کار نیست؛ چراکه آن روایات از این جهت در مقام بیان نبوده‌اند.

به نظر می‌رسد این استدلال درست نباشد؛ چراکه، اولاً: بسیاری از روایات مربوط به دیات در جایی وارد شده است که هیچگونه نقص و کاستی در اعضای مجنی‌علیه باقی نمانده است؛ چنانکه در مواردی که زخم بهبود یافته و شکستگی بدون نقص جوش خورده باشد، باز هم دیه‌ای معین شده است. معنای چنین چیزی آن است که دیه و ارش معین شده از آن جهت نیست که به دنبال بزه، نقصی در اندام بزه‌دیده پدید آمده است؛ زیرا اگر چنین بود در اینگونه موارد نمی‌بایست دیه‌ای مقدر باشد. پس ناگزیر باید بگوئیم دیه و ارش به لحاظ خود بزه و جنایت است، نه به لحاظ نقص و کمبودی که به دنبال بزه به وجود می‌آید.

ثانیاً: برخی از روایات ظهور در این دارند که همه آنچه را که بزه‌دیده می‌تواند مطالبه کند، فقط مقدار دیه و ارش است. مثلاً در صحیح ابن سنان از امام صادق (علیه‌السلام) چنین نقل شده است:^{۱۵}

«اگر دندانی را ضربه زند، یک سال صبر می‌کنند؛ اگر آن دندان افتاد، باید

^{۱۴} آیت‌الله سید محمود هاشمی شاهرودی، پیشین، ص ۱۳۸.

^{۱۵} وسائل الشیعه، جلد ۱۹، ص ۲۶۶.

پانصد درهم بپردازد و اگر نیفتاد و سیاه شد، باید دو سوم دیه آن را بپردازد».^{۱۶}

اگر بزهکار چیزی افزون بر دیه را نیز ضامن بود شایسته بود که امام آن را نیز بیان می‌فرمود، در حالی که چنین نشده است.

نتیجه بحث از دیدگاه فقهی: با بررسی روایات مربوط به دیات، که این مختصر جای طرح آنها نیست، روشن می‌شود که نمی‌توان گفت، دیه تنها یک کیفر است و جنبه جبران خسارت ندارد؛ زیرا در موارد خطای محض و تسبیب نیز دیه وجود دارد. در حالی که در این موارد قطعاً دیه جنبه کیفری ندارد. بنابراین، نظریه دوم که می‌گفت جانی علاوه بر میزان دیه، هزینه‌های پزشکی را نیز مستقلاً ضامن است؛ چون هزینه‌های درمان و پزشکی به عنوان خسارت وارد شده است، در حالی که پرداخت دیه جنبه جزائی و کیفری دارد، درست نیست و همچنین، نظریه اول نیز موجه به نظر نمی‌رسد که می‌گفت روایات مربوط به دیات برای ضمان آسیبهای مربوط به سلامتی انسان، روش خاصی را پایه‌گذاری کرده‌اند و آن عبارت است از دیه و ارش، و جانی علاوه بر دیه و ارش چیز دیگری را ضامن نیست، چه هزینه‌های پزشکی کمتر از مقدار دیه مقرر باشد یا بیشتر. زیرا به یقین می‌توان ادعا کرد که در زمانهای قدیم، هزینه‌های درمان بسیار ناچیز بوده و حتی از کمترین ارش هم کمتر بوده است تا چه رسد به دیه مقدر؛ و درمانها نیز با ابزارهای پیشرفته و هزینه‌های سنگین امروزی انجام نمی‌گرفته؛ و دلیل اینکه ائمه اطهار(علیهم السلام) در مقام جبران خسارت فقط به پرداخت دیه اکتفا کرده‌اند این بوده است که کمترین مقدار دیه مقدر، در آن زمان بیش از هزینه‌های درمان بوده است. بنابراین، از سکوت روایات درخصوص هزینه‌های درمان نمی‌توان استفاده کرد که استحقاق بزه‌دیده فقط به اندازه دیه مقدر است ولو اینکه هزینه‌های درمان وی بیش از دیه باشد. در نتیجه، باید نظریه سوم را بپذیریم و بگوئیم که بزهکار ضامن اندازه بیشتر میان دیه و هزینه‌های پزشکی است؛ چراکه سیره عقلا به شرحی که توضیح دادیم بر این استوار است و روایات هم علاوه بر اینکه در مقام نفی سیره مذکور نیستند، بلکه در راستای همان سیره و تأیید آن نیز هستند و صریح‌تر از همه، روایت معتبر

^{۱۶} عن ابی عبدالله قال: السن اذا ضربت انتظر بها سنه فان وقعت اغرم الضارب خمسمائة درهم وان لم تقع واسودت اغرم ثلثی دیتها.

غیاث بود که می‌گفت: دستمزد پزشک را در جایی که آسیب حتی از کمترین اندازه ارش هم پائین‌تر باشد، باید پرداخت و چون آسیبهای دیگر، خواه کمتر و خواه بالاتر از این اندازه هیچگونه ویژگی دیگری ندارند جز اینکه در آسیبهای دیگر، هزینه پزشکی خود بخشی از دیه است؛ این نکته را می‌توان دریافت که اصل ضامن بودن هزینه‌های پزشکی و درمانی نزد شارع پذیرفته است، به گونه‌ای که اگر بیش از دیه یا ارش تعیین شده باشد، باید آن را پرداخت؛ زیرا هیچ تفاوتی در ملاک این دو نیست. پس می‌توان این روایت را امضا و تأیید روشنی بر همان شیوه خردمندان به شمار آورد که هزینه‌های درمان را بر عهده جانی می‌دانند.

در پایان این قسمت از بحث، به نظریه‌های برخی از فقها و صاحب‌نظران که نظریه سوم را برگزیده‌اند، اشاره می‌کنیم:

حضرت آیت‌الله ناصر مکارم شیرازی:^{۱۷}

«دیه جبران خسارت است ولی اگر هزینه لازم برای درمان بیشتر شود مجنی علیه می‌تواند مقدار اضافی را از جانی بگیرد».

حضرت آیت‌الله موسوی اردبیلی:^{۱۸}

«به نظر اینجانب خسارات وارده اگر معتد به باشد غیر از دیه است و جانی باید بپردازد».

حضرت آیت‌الله محمدعلی گرامی:^{۱۹}

«اگر خسارت بیش از مقدار دیه باشد باید زاید را بپردازد».

حضرت آیت‌الله محمدحسن مرعشی:^{۲۰}

^{۱۷} «آراء و نظریات صاحب نظران و مراجع تقلید پیرامون خسارت زاید بر دیه»، مجله دادرسی، ش ۹، صص ۲۴ و ۲۵.

^{۱۸} همان.

^{۱۹} همان.

^{۲۰} همان.

«جبران هزینه‌های پزشکی علاوه بر دیه به عهده جانی است».

فصل دوم: بررسی موضوع از دیدگاه قانون و رویه قضائی

در قوانین موضوعه در خصوص موضوع بحث، اصطلاح «ضرر و زیان» به‌طور توأماً به کار رفته است که در بدو امر، به نظر می‌رسد هر کدام معنای خاصی داشته باشند و در نتیجه، آثار حقوقی ویژه‌ای را نیز خواهند داشت. لیکن به نظر می‌رسد تهیه‌کنندگان قانون آئین دادرسی چون نخواستند یکی از دو کلمه «ضرر و زیان» را نسبت به دیگری ترجیح دهند و همان را در متن قانون بیاورند، از هر دو کلمه استفاده کرده‌اند. بنابراین، نتیجه می‌گیریم که این دو کلمه مترادفتند و به همین جهت در عرف قضائی کشور ما نیز عبارت «ضرر و زیان» بدون اینکه هر یک از کلمات آن دارای آثار حقوقی ویژه‌ای باشند، متداول گردیده است و در اغلب نوشته‌های حقوقی و قضائی و حتی در متن بعضی از قوانین دیگر نیز با همین ترکیب به کار رفته و مصطلح شده است.^{۲۱} دانشمندان حقوق در مقام بیان انواع ضرر و زیان، تقسیمات مختلفی را ارائه کرده‌اند:

برخی نوشته‌اند، ضرر و زیان به سه گروه تقسیم می‌شود: ۱. ضرر و زیان مادی، ۲. ضرر و زیان جسمانی، ۳. ضرر و زیان معنوی. عده‌ای ضرر و زیان جسمانی را جزئی از ضرر و زیان مادی دانسته و در نتیجه ضرر و زیان را فقط به مادی و معنوی منحصر کرده‌اند.^{۲۲} قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۲۹۰ در ماده (۹) در مقام تقسیم و ضرر و زیان، روش ویژه‌ای را برگزیده است و آن را بدین صورت به سه قسم تقسیم کرده است:

۱. ضرر و زیان مادی، ۲. ضرر و زیان معنوی، ۳. منافع ممکن الحصول.
قانون آئین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری، مصوب ۱۳۷۸،

^{۲۱} محمود آخوندی، آئین دادرسی کیفری، جلد اول، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد

اسلامی، چاپ پنجم، ۱۳۷۲، ص ۳۱۲.

^{۲۲} همان، ص ۳۱۳.

در ماده ۹ با حذف ضرر و زیان معنوی مقرر نموده است:

«شخصی که از وقوع جرمی متحمل ضرر و زیان شده و یا حقی از قبیل قصاص یا قذف پیدا کرده و آن را مطالبه می‌کند مدعی خصوصی و شاکی نامیده می‌شود. ضرر و زیان قابل مطالبه به شرح ذیل می‌باشد:

۱. ضرر و زیان مادی که در نتیجه ارتکاب جرم حاصل شده است.
۲. منافعی که ممکن الحصول بوده و در اثر ارتکاب جرم، مدعی خصوصی از آن محروم و متضرر می‌شود».

ضرر و زیان نه در قانون آئین دادرسی کیفری و نه در قوانین مدنی و مسئولیت مدنی تعریف نشده است و به قرینه تعریف ضرر و زیان معنوی که در بند ۲ ماده ۹ قانون آئین دادرسی کیفری آمده است، می‌توان ضرر و زیان مادی را به «کسر ثروت و دارایی» تعریف کرد که ممکن است به وسیله از بین رفتن مال (به صورت مستقیم یا غیرمستقیم) و یا فوت منفعت باشد. اگر ضرر و زیان جسمانی را در تقسیم ضرر و زیان قسیم ضرر و زیان مادی قرار دهیم، ضرر و زیان مادی منحصر می‌شود به از بین رفتن مال و فوت منفعت به صورت مستقیم و ضررهای جسمانی را شامل نمی‌شود؛ ولی اگر در تقسیم بندی، ضرر و زیان جسمانی را حذف کنیم، باید ضرر و زیان مادی را طوری تعریف کنیم که ضررهای جسمانی را نیز شامل شود و آنگاه باید بگوئیم ضرر و زیان مادی عبارت است از: «کسر ثروت و دارایی، چه با واسطه و چه بی‌واسطه».

تا قبل از تعیین دیه به عنوان جبران خسارات جسمانی (قبل از انقلاب)، بحث مهمی در مورد خسارات وارد بر جسم انسان وجود نداشت و دادگاهها به میزان خسارتهایی که بر اثر جرم به جسم مجنی علیه وارد می‌شد، به استناد قانون مسئولیت مدنی حکم می‌دادند، اما بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و تصویب قانون مجازات اسلامی در سال ۱۳۶۱ (دیات) فقط دیه مقدر شرعی برای خسارات جسمانی پیش‌بینی شد و اگر مجنی علیه متحمل خسارتی بیشتر از دیه می‌شد از سوی اکثر محاکم مورد حکم قرار نمی‌گرفت،^{۲۳} با این استدلال که قانون مجازات اسلامی در مقام بیان

^{۲۳} عباس زراعت و علی مهاجری، آئین دادرسی کیفری، جلد اول، تهران، انتشارات فکرسازان، ۱۳۸۲.

خسارتهای جسمانی صرفاً به دیات مقدر اکتفا کرده و خسارتهای پزشکی را در نظر نگرفته است.

به نظر می‌رسد در جامعه امروز که هزینه‌های پزشکی سرسام‌آور است و گاهی به چند ده برابر دیه مقدر می‌رسد، منحصر کردن تمامی خسارات جسمانی و هزینه‌های پزشکی به دیه مقرر عادلانه نیست. بنابراین، قانون را باید طوری تفسیر کرد که مطابق با عدل و انصاف باشد و آن تفسیر عبارت است از همان نظریه سوم در بحث دیدگاه فقهی که مقرر می‌داشت: «جانی از میان دیه و هزینه‌های درمان، بیشترین را ضامن است». امروز در مقام انشاء رأی نیز می‌توانیم همین تفسیر را از قوانین موجود داشته باشیم و این برداشت هیچگونه منافاتی با قوانین فعلی ندارد به شرحی که توضیح خواهم داد.

برخی از اساتید حقوق معتقدند که این برداشت مخالف رأی وحدت رویه شماره ۶۱۹ مورخ ۱۳۷۶/۸/۶ است. بنابراین، نمی‌توانیم علاوه بر پرداخت دیه مقدر جانی را به پرداخت هزینه‌های درمان نیز محکوم کنیم.

در پاسخ می‌گوئیم: این رأی وحدت رویه هیچگونه ارتباطی به موضوع بحث ندارد بلکه در مقام بیان این است که در مواردی که دیه مقدر شده باشد باید به پرداخت همان دیه مقدر اکتفا شود و حکم دادن به پرداخت ارش علاوه بر دیه مقدر خلاف ماده ۳۶۷ قانون مجازات اسلامی است.^{۲۴}

برای روشن شدن موضوع، خلاصه‌ای از آرائی که منجر به صدور رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوانعالی کشور گردیده، ذکر می‌کنیم سپس رأی وحدت رویه را عیناً می‌آوریم و در نهایت عدم ارتباط این رأی به موضوع مورد بحث را توضیح خواهیم داد.

در پرونده کلاسه ۵۲۸۵/۶۰/۷۵ شعبه اول دادگاه تجدیدنظر استان... جهت شکستگی منجر به ایجاد نقص عضو علاوه بر تعیین خمس دیه آن عضو به استناد ماده

^{۲۴} ماده ۳۶۷ قانون مجازات اسلامی: «هر جنایتی که بر عضو کسی وارد شود و شرعاً مقدار خاصی به عنوان دیه برای آن تعیین نشده باشد جانی باید ارش بپردازد».

۴۷۷ قانون مجازات اسلامی،^{۲۵} ارش نیز تعیین نموده است در حالی که شعبه ۱۲ دادگاه تجدیدنظر، مورد را منطبق با ماده ۴۴۲ قانون مجازات اسلامی، دانسته^{۲۶} و معتقد است که در خصوص شکستگی ترمیم یافته چهارپنجم دیه آن عضو باید تعیین شود و در صورت نقص عضو چهارپنجم دیه به یک پنجم آن عضو افزایش می‌یابد. پس از طرح موضوع در هیأت عمومی دیوانعالی کشور، نماینده دادستان کل کشور اینگونه نظر می‌دهد:

«نظر به اینکه ماده ۴۴۲ قانون مجازات اسلامی، تصریح بر این دارد که دیه شکستگی استخوان هر عضوی که برای آن دیه معینی تعیین شده است، خمس آن می‌باشد و اگر معالجه و بدون عیب گردد، دیه آن چهارپنجم دیه شکستن آن است و چون در هر دو پرونده، نقص عضو حاصله ناشی از شکستگی استخوانی بوده است که دیه معینی دارد. بنابراین، در مورد نقص عضوی ناشی از شکستگی استخوان، فقط باید قائل به تعیین دیه بود و تعیین ارش زائد بر دیه محمل قانونی ندارد و ماده ۴۷۷ قانون مجازات اسلامی، ناظر بر مواردی است که برای عضو دیه‌ای معین نشده باشد.

در نتیجه رأی وحدت رویه شماره ۶۱۹ در تاریخ ۱۳۷۶/۸/۶ اینگونه صادر شد:

«مستفاد از ماده ۳۶۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰، ارش اختصاص به مواردی دارد که در قانون برای صدمات وارده به اعضای بدن دیه تعیین نشده باشد. در ماده ۴۴۲ قانون مزبور برای شکستگی استخوان اعم از آنکه بهبودی کامل یافته و یا عیب و نقص در آن باقی بماند، دیه معین شده است که حسب مورد همان مقدار باید پرداخت گردد. تعیین مبلغی زائد بر دیه با ماده مرقوم

^{۲۵} ماده ۴۷۷ قانون مجازات اسلامی: «در هر جنایتی که موجب زوال یا نقص بعضی از منافع گردد مانند خواب، لمس یا موجب پدید آمدن بعضی از بیماری‌ها شود و دیه آن معین نشده باشد ارش تعیین می‌شود.»

^{۲۶} ماده ۴۴۲ قانون مجازات اسلامی: «دیه شکستن استخوان هر عضوی که برای آن عضو دیه معینی است خمس آن می‌باشد و اگر معالجه شود و بدون عیب گردد دیه آن چهارپنجم دیه شکستن آن است و دیه کوبیدن آن ثلث دیه آن عضو و در صورت درمان بدون عیب چهارپنجم دیه خرد شدن استخوان می‌باشد.»

مغایرت دارد. علی‌هذا نظر شعبه ۱۲ دادگاه تجدیدنظر مرکز استان صحیح و منطبق با قانون می‌باشد. این رأی بر طبق ماده ۳ از موارد اضافه شده به قانون آئین دادرسی کیفری مصوب مرداد ماه ۱۳۷۷ برای دادگاهها در موارد مشابه لازم‌الاتباع است».

همانگونه که ملاحظه می‌شود مستفاد از این رأی این است که شکستگی استخوان که با عیب بهبود یافته باشد در ماده ۴۴۲ قانون مجازات اسلامی، دیه معین دارد. بنابراین، نمی‌توان جانی را علاوه بر پرداخت دیه به ارش هم محکوم کرد زیرا ارش اختصاص به مواردی دارد که در قانون برای صدمات وارده، دیه تعیین نشده باشد و این مطلب غیر از موضوع بحث ما است که در مجنی‌علیه در اثر ارتکاب جنایت نسبت به وی، متحمل ضرر و زیان و هزینه‌های درمان می‌شود. در پایان به قرائن و شواهدی اشاره می‌کنیم که در راستای تأیید نظریه سوم هستند مبنی بر اینکه اینگونه برداشت از قانون که جانی از میان دیه و هزینه‌های درمان، بیشترین را ضامن است، هیچگونه منافاتی با قوانین فعلی ندارد و مطابق با عدل و انصاف است:

۱. رأی اصراری حقوقی شماره ۶ مورخ ۱۳۷۴/۴/۵ به جبران خسارتهای ناشی از هزینه‌های درمان صحه گذاشته است.
متن رأی چنین است:

«به دلالت اوراق محاکماتی، عمل ارتكابی خواندگان، ایراد ضرب عمدی منتهی به شکستگی استخوان پای چپ مجنی‌علیه است که علاوه بر صدور حکم دیه در حق مجنی‌علیه به جهت تقویت قوای کاری خواهان، دادگاه خواندگان را به پرداخت ضرر و زیان محکوم نموده است. نظریه اینکه از احکام مربوطه به دیات، و فحوای مواد قانون راجع به دیات نغی جبران سایر خسارات وارده مجنی‌علیه استنباط نمی‌شود و با عنایت به اینکه منظور از خسارت و ضرر و زیان وارده، همان خسارت و ضرر و زیان متداول عرفی می‌باشد. بنابر مستفاد

از مواد ۱، ۲ و ۳ قانون مسئولیت مدنی^{۲۷}، با التفات به قاعده کلی «لاضرر» و همچنین قاعده «تسبیب و اتلاف» لزوم جبران اینگونه خسارتها بلاشکال است.»

۲. نظریه مشورتی شماره ۷/۱۵۶۷ مورخ ۱۳۷۶/۶/۲۵ اداره حقوقی قوه قضائیه:

«باتوجه به قاعده لاضرر و نفی حرج و قاعده تسبیب چنانچه محرز شود که در اثر عمل جانی، خسارتی بیش از دیه یا ارش بر مجنی علیه وارد شده است از جمله معالجه و مداوا، مطالبه آن از جانی که سبب ورود خسارت بوده است منع شرعی یا قانونی ندارد و ماده ۱۲ قانون اصلاح قوانین و مقررات استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران مصوب ۱۳۷۱/۱۱/۵، مؤید این نظریه است.»

۳. قانونگذار در مواردی در قانون مجازات اسلامی سخن از خسارت به میان آورده است. ماده ۳۳۳ قانون مذکور اشعار می‌دارد:

«در مواردی که عبور عابر پیاده ممنوع است اگر عبور نماید و راننده‌ای که با سرعت مجاز و مطمئن در حرکت بوده و وسیله نقلیه نیز نقص فنی نداشته است و در عین حال قادر به کنترل نباشد و با عابر برخورد نموده منجر به فوت یا مصدوم شدن وی گردد، راننده ضامن دیه و خسارت وارده نیست.»

^{۲۷} ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی: «هرکس بدون مجوز قانونی عمداً یا در نتیجه بی احتیاطی به جان یا سلامتی یا مال یا آزادی یا حیثیت یا شهرت تجارتي یا به هر حق دیگر که به موجب قانون برای افراد ایجاد گردیده، لطمه‌ای وارد نماید که موجب ضرر مادی یا معنوی دیگری شود مسؤول جبران خسارت ناشی از عمل خود می‌باشد.»

ماده ۲ قانون مسئولیت مدنی: «در موردی که عمل واردکننده زیان موجب خسارت مادی یا معنوی زیان‌دیده شده باشد، دادگاه پس از رسیدگی و ثبوت امر، او را به جبران خسارات مزبور محکوم می‌نماید و چنانچه عمل واردکننده زیان موجب یکی از خسارات مزبور باشد، دادگاه او را به جبران همان نوع خساراتی که وارد نموده، محکوم خواهد نمود.»

ماده ۳ قانون مسئولیت مدنی: «دادگاه، میزان زیان و طریقه و کیفیت جبران آن را با توجه به اوضاع و احوال قضیه تعیین خواهد کرد، جبران زیان را به صورت مستمری، نمی‌شود تعیین کرد مگر آنکه مدیون، تأمین مقتضی برای پرداخت آن بدهد یا آنکه قانون آن را تجویز نماید.»

سؤال این است که منظور از خسارت در این ماده چیست؟ مگر فوت یا مصدومیت عابر چه خسارتی به بار می‌آورد و اگر برای فوت یا مصدومیت دیه تعیین می‌شود؛ چرا قانونگذار به این صراحت واژه خسارت را به کار برده است. البته در مواد دیگری از همین قانون نیز صحبت از خسارت شده که نیاز به توضیح آنها نیست. در قوانین دیگر نیز قانونگذار به لزوم جبران خسارت اشاره کرده است. ماده ۱۲ قانون اصلاح قوانین و مقررات مؤسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی مصوب ۱۳۷۱/۱۱/۵ بیان می‌دارد:

«هرگاه ارتکاب یکی از جرائم مذکور در این قانون موجب بیماری یا آسیب گردد، مرتکب حسب نتایج حاصله به مجازاتهای زیر محکوم می‌گردد:

۱. در صورتی که مدت معالجه زاید بر دو ماه نباشد، مجازات مرتکب شش ماه تا دو سال حبس تعزیری و یا پانصد هزار تا دو میلیون ریال جزای نقدی.
۲. در صورتی که مدت معالجه زاید بر دو ماه باشد، مجازات مرتکب یک تا سه سال حبس تعزیری و یک میلیون تا دو میلیون ریال جزای نقدی.
۳. در صورتی که موجب نقص عضو شود، مجازات مرتکب حسب مورد سه تا ده سال حبس تعزیری و دو میلیون تا پنج میلیون ریال جزای نقدی.
۴. در صورتی که منتهی به مرگ شود، مجازات مرتکب سه تا پانزده سال حبس تعزیری و سه میلیون تا ده میلیون ریال جزای نقدی خواهد بود. در تمام موارد فوق، در صورت شکایت مصرف‌کننده و به شرط اقوا بودن سبب از مباشر، دیه و خسارت مصرف‌کننده بر اساس قانون مجازات اسلامی و بر طبق حکم محاکم جبران می‌گردد».

همانگونه که ملاحظه می‌فرمائید در ذیل این ماده علاوه بر دیه به جبران خسارت وارده نیز به صورت صریح تأکید شده است.

مواد ۱، ۲ و ۳ قانون مسئولیت مدنی و همچنین بند ۲ ماده ۹ قانون آئین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸/۶/۲۸ نیز در جهت جبران خسارتهای فوق و منافع ممکن‌الحصول صراحت داشته و قابل استناد می‌باشد.

۴. اظهار نظر برخی از قضات در یکی از نشستهای قضائی:^{۲۸}

سؤال:

«حکم مطالبه ضرر و زیان ناشی از هزینه‌های پزشکی و بیکاری ناشی از مصدومیت چیست؟ همچنین، تکلیف دادگاه در مواردی که هزینه‌های پزشکی بیش از میزان دیه تعیین شده باشد چیست؟»

پاسخ:

نظریه اکثریت: طبق دو ماده ۱۲ و ۲۹۴ قانون آئین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری و فتاوی برخی از مراجع تقلید و نیز قانون مسؤلیت مدنی، می‌توان در فرض سؤال به مقدار بیش از دیه نیز حکم داد....

۵. نظریه کمیسیون قضائی شماره ۷ معاونت آموزش قوه قضائیه (این کمیسیون مرکب از قضات دیوانعالی کشور و دادگاه عالی انتظامی قضات است):

«مستفاد از مواد ۹، ۱۰، ۱۱ و ۱۲ قانون آئین دادرسی کیفری و قانون مسؤلیت مدنی این است که مطالبه ضرر و زیان مالی ناشی از جرم زاید بر دیه مقرر بلاشکال است.»

۶. پاسخ واحد مشاوره قضائی تلفنی معاونت آموزش قوه قضائیه در خصوص

سؤال زیر:

سؤال:

در محاسبه هزینه‌های درمان جراحتهای ناشی از تصادفهای رانندگی که طول درمان غیرقابل پیش‌بینی دارند، وصول هزینه‌های درمانی مازاد بر دیه به چه صورت خواهد بود؟

پاسخ:

^{۲۸} مجموعه نشستهای قضائی ۵: نشست قضائی دادگستری ایلام، آذر ماه ۱۳۷۹، ص ۲۱۶.

بر اساس ماده ۱۱ قانون آئین دادرسی مصوب ۱۳۷۸؛ باید مطابق مقررات قانون آئین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی با تقدیم دادخواست و تعیین خواسته به نحو منجز صورت گیرد. در این صورت دادگاه پس از تکمیل تحقیقات و مهیا شدن پرونده کیفری برای صدور حکم در خصوص ضرر زیان مورد مطالبه نیز حکم صادر می‌نماید و مطالبه هزینه‌های درمانی به صورت غیرقطعی و با قید تقریب و احتمال وجه قانونی ندارد.^{۲۹}

نتیجه بحث

همانگونه که اعضای محترم کمیسیون جزائی و همچنین واحد مشاوره قضائی نیز نظر داده‌اند، به نظر می‌رسد مطالبه هزینه‌های پزشکی در صورتی که بیش از دیه مقدر باشد، هیچگونه منافاتی با شرع و قانون ندارد، حتی اگر معتقد باشیم که دیات برای جبران ضررهای جسمانی وضع شده است؛ زیرا هزینه‌های پزشکی مازاد بر دیه یقیناً ضرر مالی است که نسبت به مجنی‌علیه وارد شده و جبران ضررهای مالی به استناد قانون مسئولیت مدنی، مصوب ۱۳۳۹ و همچنین ماده ۹ قانون آئین دادرسی محاکم عمومی و انقلاب، مصوب ۱۳۷۸ لازم است و هیچگونه منافاتی با قانون دیات و شرع مقدس ندارد. امیدواریم پیش‌کسوتان امر قضا در بررسی مجدد قانون مجازات اسلامی، این موضوع بسیار مهم را در نظر بگیرند و با تصریح لزوم جبران هزینه‌های پزشکی به صورت شفاف از صدور آراء متعارض جلوگیری نمایند.

^{۲۹} معاونت آموزش قوه قضائیه، مشاوره قضائی تلفنی، ج ۲، ص ۱۴.

JOURNAL OF LEGAL RESEARCH

VOL. VI, No. 1

2007-1

Articles

- Tendency to Accept Corporations Criminal Liability
- Rule of Laws or Politics: Analysis of the UN Security Council Resolution 1747
- The Apply of Self-Defence for Combating Terrorism
- The Issue of Constitutionalization of the Legal Order
- Insurance of Dowry
- The Responsibility of Offender to Pay Treatment Charges Exceeding the Amount of *Diah*
- Analysis of Mandatory participation of the Executive Branch in Legislation-making Process in Iran's law

Special Issue: Legal Aspects of Reproductive and Therapeutic Cloning

- Legal and Moral Aspects of Cloning
- Human Dignity and Reproductive Cloning
- Different Bases for Prohibiting Human Reproductive Cloning
- Challenges of Therapeutic Cloning
- UN Criminal Policy against Human Cloning

Critique and Presentation

- A Critique on Some Stipulations of the New Act for Administrative Court of Justice
- Reflections on Article 18 of the Amended Act for Formation of Public and Revolutionary Court

ISSN: 1682-9220



S. D. I. L.
The S.D. Institute of Law
Research & Study